

Investigating the Relationship between Cultural Factors (Religious Tendency) and Social Indifference and Critical Thinking in Educational Institutions (Case Study of Student Teachers, Isfahan Farhangian University)

Ronaghi. Marzieh

Member of the faculty of Farhangian University of Isfahan; Hazrat Fatima Zahra Campus, marzi.r65@gmail.com

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between religious orientation as an important part of the cultural system in society with social indifference and critical thinking among students and teachers of Farhangian University. The research method is survey and the statistical population of all students is the teachers of Farhangian University of Isfahan who are studying on campuses and higher education centers and have spent at least one semester. IBM SPSS Sample Power software as well as Cochran's formula were used to determine the sample size of 331 people. The sampling method is stratified random. Data were collected using a researcher-made questionnaire based on the Glock and Stark Religious Orientation Questionnaire, Ricketts Critical Thinking, and Cooper-Smith Social Indifference. Using Amos software, the model was fitted (with a two-step approach of confirmatory factor analysis and structural equation analysis) and then the hypotheses were analyzed. The results according to previous research and theories of scientists and the present study indicate a significant relationship between the level of students' religious orientation with social indifference and critical thinking of student teachers at Farhangian University of Isfahan.

The standardized impact factor for the hypotheses was -0.686 and 0.377, respectively. The value of 0.001 for P indicates the confirmation of these hypotheses.

In other words, religious orientation is inversely related to social indifference and directly related to critical thinking. Therefore, 95% of the research hypotheses are confirmed with confidence.

Keyword: religious orientation, social indifference, critical thinking, sense of responsibility

بررسی رابطه عوامل فرهنگی (گرایش مذهبی) با بی تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی در نهادهای آموزشی (مطالعه موردی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان)

مرضیه رونقی

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان اصفهان؛ پردیس حضرت فاطمه زهرا (س)

marzi.r65@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه گرایش مذهبی به عنوان بخش مهمی از نظام فرهنگی در جامعه با بی تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی در بین دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان می باشد. روش تحقیق پیمایشی است و جامعه آماری کلیه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان می باشد که در پردیس ها و مرکز آموزش عالی به تحصیل مشغول هستند و حداقل یک ترم تحصیلی را گذرانده اند. به منظور تعیین حجم نمونه ۳۳۱ نفری از نرم افزار IBM SPSS Sample Power همچنین فرمول کوکران استفاده شد. روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسش نامه محقق ساخته مبتنی بر پرسشنامه های گرایش مذهبی گلاک و استارک، تفکر انتقادی ریکتس و بی تفاوتی اجتماعی کوپر اسمیت انجام شد. با بهره گیری از نرم افزار ایموس به برازش الگو (با رویکرد دو مرحله ای تحلیل عاملی تاییدی و برازش تحلیل معادلات ساختاری) و سپس تجزیه و تحلیل فرضیه ها پرداخته شد. نتایج حاصله با توجه به تحقیقات پیشین و نظریات دانشمندان و تحقیق حاضر حاکی از رابطه معنادار بین میزان گرایش مذهبی دانشجویان با بی تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان بوده است. ضریب تاثیر استاندارد شده برای فرضیه ها ۰/۶۸۶- و ۰/۳۷۷ بدست آمد. مقدار ۰/۰۰۱ برای P نشان از تایید این فرضیه ها دارد. به عبارت دیگر گرایش مذهبی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معکوس و با تفکر انتقادی رابطه ای مستقیم دارد. پس با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه های تحقیق تایید می شوند.

کلیدواژه ها: گرایش مذهبی، بی تفاوتی اجتماعی، تفکر انتقادی، احساس مسئولیت

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۹/۰۸ تاریخ بازبینی: ۰۰/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۱/۱۷

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۳، بهار ۱۴۰۱، صص

مقدمه و بیان مسئله

گرایش مذهبی افراد به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه در برقراری رابطه و تسلط بر محیط، روابط با دیگران و شکل‌گیری گرایش‌ها و نگرش‌ها در بین افراد جامعه عامل مهمی تلقی می‌شود. این گرایش‌ها از سه نوع اطلاعات به دست می‌آیند: باورها (در مورد ویژگی‌های مثبت یا منفی موضوع گرایش)، احساسات و عواطف (در مورد موضوع) و اطلاعات (در مورد اعمال گذشته و حال نسبت به موضوع گرایش). گرایش به محض شکل‌گیری، ارتباط نزدیکی با شناخت در حدود موضوع پیدا می‌کند. بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان بر این باورند که مذهب تاثیر انکارناپذیری بر سلامت روح و جسم و دیگر ابعاد زندگی بشر دارد (پور شهریاری و شعاع کاظمی ۱۳۹۴: ۷۱). براین اساس نقش گرایش مذهبی افراد در شکل‌گیری شیوه عملکرد آن‌ها در عموم جوامع از جمله مسائلی است که نظر بسیاری از اندیشمندان و موضوع مطالعات آن‌ها را به خود جلب کرده‌است.

مفهوم بی‌تفاوتی نیز از جمله مفاهیمی است که بار منفی را به همراه خود دارد چرا که حاکی از نوعی بی‌توجهی و بی‌قیدی در افراد نسبت به هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در جامعه است (محسنی و صداقتی فر، ۱۳۹۰: ۲) و پیوند بسیار نزدیکی با مسئولیت‌پذیری یا شانه خالی کردن از بار مسئولیت‌های اجتماعی دارد. چنانچه خوش‌بین و طالبی (۱۳۹۱) مسئولیت‌پذیری را در چهار دسته طبقه‌بندی می‌کنند: مسئولیت‌پذیری در قبال خود، در برابر دیگران، در برابر طبیعت و محیط زیست و مسئولیت‌پذیری در برابر خدا و این انواع مسئولیت‌پذیری از سویی تحت تاثیر گرایشات دینی افراد هستند و از سوی دیگر بر نحوه عملکرد

افراد تاثیر می‌گذارند و انسان‌ها به‌میزانی که از این احساس مسئولیت بهره‌مند باشند نسبت به محیط خود واکنش نشان می‌دهند، آن را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند و نیز میزان بی‌تفاوتی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

از سویی «عواملی همچون رشد صنعت و تکنولوژی، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسارگسیخته‌ی جمعیت، حرکات وسیع جمعیتی، گسترش فرهنگ شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت و... را از جمله عوامل موثر بر بروز بی‌تفاوتی برشمردند و معتقدند جوامع امروزی دوره‌ای از بحران در روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند. یعنی وضعیتی که طبق نظر دورکیم، هنجارهای اجتماعی و دستورالعمل‌های اخلاقی قبلی از کارایی لازم در هدایت رفتار اجتماعی برخوردار نیستند و هنوز هنجارهای کارآمد جدیدی جایگزین نشده‌اند» (قاضی‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۱). براین اساس در فضای دانشگاهی (و از جمله دانشگاه فرهنگیان) به موجب مجموعه‌ی عوامل ذکر شده می‌توان به‌صورت مختلف بی‌تفاوتی اجتماعی را ملاحظه کرد، چه دانشجو معلمان از مناطق مختلف جغرافیایی و فرهنگی و عموماً از مناطق محروم کشور که جوامعی سنت راهبر بوده‌اند، به شهرهای بزرگی مثل اصفهان آمده‌اند، با خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در مجاورت هم قرار گرفته‌اند، رشد و توسعه تکنولوژی آن‌ها را در فضاهایی متفاوت از آنچه تاکنون بوده‌اند قرار داده‌است و در نهایت بیگانگی با محیط، آن‌ها را دچار بی‌تفاوتی‌هایی نموده‌است.

اما باید توجه داشت که بی‌تفاوتی با یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه جامعه‌شناسان در سال‌های اخیر، یعنی تفکر انتقادی ارتباط تنگاتنگی دارد. تفکر انتقادی در واقع یکی از توانش‌های مهم شناختی است که در آن افراد متفکر سعی در به چالش کشیدن مسایل و موضوعات مختلف جامعه دارند و به منظور زیر سوال بردن وضع موجود از این مهارت بهره می‌برند. ریچارد پاول (۲۰۰۵) با تاکید بر ویژگی داوری در باب این موضوع می‌نویسد: «تفکر انتقادی روند از نظر فکری انتظام یافته‌ی مفهوم‌سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و یا ارزشیابی ماهرانه و فعالانه‌ی اطلاعات فراهم آمده یا پدیدآمده از مشاهده، تجربه، بازنمایی، استدلال یا مکالمه با دیگران است که همچون راهنمایی برای کسب عقیده و انتخاب عمل به‌کار گرفته می‌شوند». (قاضی‌مرادی ۱۳۹۳: ۳۳) جان دیویی نیز ماهیت تفکر انتقادی را «قضای معلق» یا «تردید سالم» تعریف می‌کند. او تفکر انتقادی را شامل بررسی فعال، پایدار و دقیق هر عقیده یا دانش می‌داند. تفکر عبارت است از فعالیت جهت‌دار ذهن برای حل مسئله است. «تفکر انتقادی بر پایه اطلاعات به تقسیم‌بندی، تجزیه و تحلیل و کاربرد اطلاعات

می‌پردازد و بر همین اساس با کشف قوانین علمی و ارائه نظریه‌های جدید به روند تولید علم شدت می‌بخشد. تفکر انتقادی مهارتی ارزشمند و موثر برای مقابله با مسائل و بیماری‌های روانی- اجتماعی می‌باشد و تا حد زیادی اجتناب و حتی مقابله با مشکلات اجتماعی را تسهیل می‌کند» (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴: ۳۸). لذا می‌توان رابطه‌ای بین این دو متغیر ترسیم نمود و آن را از زاویه‌ای دیگر مورد بررسی قرار داد. «علاقه به توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی در محافل آموزشی، پدیده جدیدی نیست، منشأ چنین علاقه‌ای به آکادمی افلاطون برمی‌گردد، مدلی که دانشگاه‌های غربی سرانجام از آن برخاستند و به تدریج، به دلیل پیشرفت‌های مختلف علمی و تغییرات همزمان در اهداف آموزشی، بیشتر به انتقال اطلاعات توجه کرده‌اند. اهداف غائی و کلی تعلیم و تربیت، ناگزیر باید تغییر یابد، زیرا سخنرانی به عنوان روش غالب، در بسیاری از مراکز آموزشی، باعث ترویج سبک انفعالی تعلیم و تربیت می‌شود که در آن تفکر انتقادی یا فقط بطور ضمنی آموزش داده می‌شود و یا هرگز یاد داده نمی‌شود» (آدامز، ۲۰۰۰: ۵۴). و به همین دلیل است که تلاش برای ایجاد یک تفکر انتقادی، امروزه به صورت یک هدف اساسی در نظام دانشگاهی بسیاری از کشورها مطرح می‌باشد. و «امروزه ارتقای سطح مهارت‌های تفکر انتقادی و ایجاد بینش جامعه‌شناختی در افراد تحصیل کرده، یک نتیجه قابل انتظار از تحصیلات عالی دوره کارشناسی و بالاتر به حساب می‌آید. رشد و پرورش مهارت‌های فکری دانشجویان همیشه مسئله‌ای پیچیده در آموزش بوده اما امروزه، حالت بحرانی به خود گرفته است زیرا، برون داد اطلاعات جامعه، از توانایی تفکر انتقادی افراد درباره این اطلاعات فراتر رفته است، به نحوی که در سال‌های اخیر، متخصصان امور تربیتی، به شدت از ناتوانی دانشجویان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده‌اند» (مایرز، ۱۹۹۶). و به نظر می‌رسد این تحول اساسی می‌بایست توسط نظام آموزشی جامعه تحقق یابد و آموخته شود چرا که امری اکتسابی است و نه انتسابی، وضعیت و شرایطی است که می‌بایست با تلاش و تعلیم شیوه‌های صحیح تفکر و علی‌الخصوص تفکری انتقادی، فردی فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی و تحلیل‌گر مسایل اجتماعی و اخلاقی و علمی تربیت گردند. نسلی که پرورش دهنده نسل‌های آینده کشور می‌باشند و اگر در این دانشگاه تحول در گرایش‌های دینی و تاکید بر آموزه‌های دینی که فرد را به حضور موثر در جامعه نه فقط تشویق می‌کند بلکه به عنوان فریضه برعهده وی می‌گذارد، و در این صورت است که می‌توان امید داشت

در نسل های بعد بی‌تفاوتی رخت بر بندد و تفکر انتقادی در ابعاد مختلف جامعه سایه گستراند.

بنابراین برای دست یابی به چنین هدفی نقش مراکز آموزشی از جمله دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان یکی از مراکز مهم توسعه تفکر انتقادی، باید به شیوه حافظه‌پروری و تلاش برای حفظ کردن اطلاعات دریافتی (نظام آموزش بانکی) خاتمه دهد و به پرورش مهارت‌های تفکر خلاق، استدلال و به‌کار بستن آن‌ها مبادرت ورزد. بنابراین توجه و بررسی موضوعاتی مانند بی‌تفاوتی اجتماعی و علل وجود آورنده‌ی این گرایش‌ها و احساسات در دانشجو معلمان (مثل دور شدن از آموزه‌های دینی، بی‌هنجاری، عدم اعتماد اجتماعی، احساس عدم اثربخشی اجتماعی) و تأثیری که بر تفکر انتقادی آن‌ها می‌گذارد ضرورت می‌یابد ولی تاکنون در کشور تحقیقی که این سه متغیر (گرایش مذهبی، بی‌تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی) را در بین دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان، در قالب مدلی واحد بررسی نماید انجام نشده است.

همچنین علت اصلی اهمیت و ضرورت این تحقیق علاوه بر مسائل مطروحه و خلاء تحقیقاتی، آنچه که امروزه در کشور ما به وضوح دیده می‌شود رشد بی‌تفاوتی اجتماعی در ابعاد مختلف اجتماعی و آموزشی است. در برخی تحقیقات به‌عمل آمده در این زمینه در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران، نشان می‌دهند در مواجهه با موقعیت‌های اضطراری نسبت نوع دوستی در جامعه شهری ایران ۷۵٫۳ درصد و نسبت بی‌تفاوتی ۲۴٫۷ درصد است. در زمینه بی‌تفاوتی آموزشی از طرف نهادهای مختلف نیز مظفری پور (۱۳۹۵) در پژوهشی که به شیوه‌ی کاوشگری فلسفی انجام داده است می‌نویسد «برای مثال برخی والدین حساسیتی به این مسائل ندارند یا رسانه‌ها نیز تنها به مسائلی مانند اخذ وجه از والدین می‌پردازند و هیچ‌گاه کیفیت آموزش و نحوه اداره مدارس و به عبارتی چگونگی تربیت نسل جدید جز دغدغه‌های اصلی رسانه‌ها به خصوص رسانه ملی نبوده است. همچنین متخصصان علوم تربیتی از جمله متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت نیز ارتباط چندانی با مسائل جاری آموزش ندارند...» (مظفری پور، ۱۳۹۵). مبحث بی‌تفاوتی و تأثیری که می‌تواند بر رشد تفکر انتقادی در بین اعضای یک جامعه داشته باشد علی‌الخصوص در جوامعی که داعیه مردم‌سالاری مبتنی بر عدالت اجتماعی و دینی دارند بیش از موارد دیگر حائز اهمیت، دقت و بررسی می‌باشد و همین ضرورت موجب گردید در این پژوهش متغیرهای مذکور در کنار هم مطرح و مورد مذاقه‌ی علمی قرار گیرند. البته

باید توجه داشت این رابطه خطی نیست. به این معنا که توجه به آموزه‌های دینی که افراد جامعه را به مشارکت در امورات اجتماعی و اصلاح جامعه تشویق می‌کند در عین حال که منجر به تقویت گرایش‌های دینی در مردم جامعه می‌گردد و بی‌تفاوتی اجتماعی را می‌کاهد موجب رشد تفکر انتقادی، داشتن حساسیت بالاتر نسبت به محیط اطراف، تلاش در جهت بهبود شرایط موجود و حتی خود بهبودی در افراد جامعه می‌شود، و همه این ویژگی‌ها یعنی داشتن جامعه‌ای توسعه یافته و پویا که زمینه رشد خلاقیت‌ها امکان‌پذیر می‌باشد.

هدف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش «بررسی رابطه‌ی میزان گرایش مذهبی با بی‌تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی در بین دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان» می‌باشد.

پرسش‌های تحقیق

اکنون سوالات اساسی این پژوهش حول این مسایل است که :

- آیا مذهب و گرایش‌های مذهبی به عنوان بخشی از فرهنگ با بی‌تفاوتی افراد آن جامعه از جمله دانشجویان در محیط آموزشی و دانشگاهی رابطه‌ای دارد؟
- آیا دانشجویانی که از پایبندی‌های مذهبی بیشتری برخوردارند، نسبت به مسایل مطروحه در کلاس درس و محیط دانشگاه از حساسیت بیشتری برخوردارند؟
- آیا تمایل به تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان با مسایل فرهنگی از جمله گرایش‌های مذهبی رابطه‌ای دارد؟
- آیا می‌توان محیط آموزشی دانشگاه را به محیطی برای توسعه مشارکت اجتماعی و از بین بردن حس بی‌تفاوتی اجتماعی تبدیل نمود؟ و گرایش مذهبی دانشجویان با میزان بی‌تفاوتی آنان رابطه دارد؟
- محیط آموزشی دانشگاه تا چه میزان می‌تواند موجبات رشد تفکر انتقادی دانشجویان را فراهم آورد؟
- متغیرهای گرایش مذهبی دانشجویان، تا چه میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در محیط آموزشی دانشگاه و تمایل به تفکر انتقادی را تبیین می‌کند؟

پیشینه تحقیق

تلاش برای تحقق تفکر انتقادی سابقه‌ای طولانی و شاید بتوان ادعا کرد به قدمت عمر بشر دارد ولی، به لحاظ ریشه‌یابی آن در آموزش به زمان سقراط و افلاطون به بیش از ۲۵۰۰ سال قبل بر می‌گردد، آنان عملاً اهمیت جست‌وجو برای شواهد و دلایل مستند، بررسی دقیق استدلال‌ها و فرضیات، تجزیه و تحلیل مفاهیم اساسی و نیز پیگیری مفاهیم چه در عرصه‌ی گفتار و چه در حیطه‌ی عمل را آموزش می‌دادند. همچنین به‌منظور بررسی سابقه‌ی آن در ارتباط با عوامل و پدیده‌های دیگر مسئله‌ای مهم است که در برخی تحقیقات باید پیگیری آن بود.

در یک مطالعه تجربی با پیش‌آزمون - پس‌آزمون که توسط فرانک موسوی (۱۳۹۷) انجام شده است و به بررسی تاثیر آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه پرداخته، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین عملکرد فراگیران آموزش دیده براساس آموزش آزاداندیشی دینی و طرح رایج، تفاوت معناداری وجود دارد و فراگیران آموزش دیده موفق‌تر عمل می‌کنند. صفایی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان نقش سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیت در گرایش به تفکر انتقادی در بین دانشجویان رشته تربیتی بدنی دریافتند سبک‌های یادگیری رابطه مستقیمی با رشد تفکر انتقادی در بین دانشجویان دارد. همچنین پژوهشی با عنوان بررسی تفکر انتقادی و ابعاد اصلی دینداری دانشجویان را خدیجه سفیری و همکاران (۱۳۹۵) انجام دادند که به رابطه معنادار بین میزان تفکر انتقادی و ابعاد دینداری (باور، مناسک و تجربه) اشاره دارد. تحقیق سید کاظم علوی لنگرودی و همکارانش (۱۳۹۴) نیز به رابطه‌ی تفکر انتقادی با راهبردهای مقابله با استرس اشاره دارد و یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که با آموزش تفکر انتقادی و تلاش برای درونی‌سازی مذهب می‌توان بهره‌گیری دانشجویان از سبک‌های مقابله‌ای کارآمد در هنگام مواجهه با رویدادهای تنش‌زا را افزایش داد. در این راستا نتایج تحقیق سیدمحمد مرتضوی (۱۳۸۸) نشان داد که داشتن اعتقادات دینی و تعلقات مذهبی نقشی اساسی در تفکر انتقادی دانشجویان رشته علوم تربیتی دارد.

در تحقیقات خارجی نتایج بسیار متفاوت و بعضاً ضد و نقیض را می‌توان مشاهده نمود از جمله رزمیار^۱ و ریو^۲ (۲۰۱۳) پژوهشی با عنوان تفاوت‌های فردی در دینداری به عنوان کارکرد توانایی شناختی و سبک شناختی در بین دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا انجام داده‌اند که نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین سبک تفکر عقلانی و دینداری رابطه‌ای منفی وجود دارد و در مقابل تفکر شهودی و تجربی به پذیرش سیستم عقاید مذهبی منجر می‌شود. پنی کوک^۳ و همکاران^۴ (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی تحت عنوان سبک‌های شناختی و دینداری، تمایل به استدلال تحلیلی و باورها و اعمال مذهبی را با رابطه‌ای منفی ارزیابی نمودند، همچنین گراویس^۵ و همکاران^۶ (۲۰۱۲) در مطالعه خود دریافتند رابطه‌ای منفی بین تفکر تحلیلی و کفر مذهبی وجود دارد.

توانایی تفکر انتقادی و اعتقاد به ماوراءالطبیعه عنوان تحقیقی است که هرگوییچ و آرنداسی^۷ (۲۰۰۴) در استرالیا انجام دادند و بیان داشته‌اند همبستگی بین این دو متغیر وجود ندارد. تویس^۸ (۱۹۹۹) در پژوهش خود به تاثیر اعتقادات مذهبی و داشتن ذهن و روان و جسم سالم‌تر و در نتیجه طول عمر بیشتر و روابط اجتماعی متعادل‌تر این دسته از افراد دست یافت. ریسبرگ^۹ (۱۹۹۴) رابطه‌ای معنادار بین باورهای دینی و مذهبی فرد با سلامت روانی و روابط اجتماعی سالم‌تر ارائه کرده است، همچنین استین^{۱۰} (۱۹۹۲) در تحقیق خود بیان می‌دارد مشارکت در مراسم و اجتماعات دینی و مذهبی میزان خودکشی را در جوانان به طور معناداری کاهش می‌دهد و گرایش آنان به تعقل و روابط و مشارکت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. جمع‌بندی پیشینه تجربی موضوع نشان می‌دهد بین باورهای دینی و نوع تفکر افراد رابطه وجود دارد. و وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان تفکر انتقادی و ابعاد دینداری (باور، مناسک و تجربه) در تحقیقات مختلف تایید شده است و از سویی

1Razmyar,S.

2 Reeve,C

3 Pennycook,G.

4 Gervais, W. M., Willard, A., Norenzayan, A. & Henrich, J

5 Hergovich & Arendasy

6 Tevis

7 Risberg

8 Stein

داشتن تفکر انتقادی بعدی آموزشی واکتسابی دارد که آموزش آن به افراد می‌تواند شیوه‌ی عملکرد آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف حتی تنش‌زا بهبود بخشد و منجر به شکل‌گیری روابط سالم‌تر اجتماعی گردد. تحقیقات خارجی بیش‌تر در حوزه روانشناسی و ارتباط اعتقادات دینی و مذهبی و داشتن تفکر انتقادی با سلامت روانی افراد صورت گرفته است.

چارچوب نظری پژوهش

در سطح نظری به منظور تبیین رفتار اجتماعی، به قول جیمز کلمن (۱۳۷۷) به عنوان کار اصلی علوم اجتماعی، پدیده‌ها در سطح اجتماعی باید مورد تحلیل قرار گیرند و نه در سطح فردی. در تبیین رفتارهای اجتماعی دو شیوه‌ی تبیین وجود دارد:

- « شیوه نخست به نمونه‌ای از رفتار سیستم یا مشاهده‌ی رفتار مستقیم به طور کلی در یک دوره‌ی زمانی بستگی دارد.
- - دومین شیوه‌ی تبیین رفتار نظام اجتماعی، مستلزم بررسی فرآیندهای درونی نظام است که اجزاء تشکیل دهنده یا واحدهای آن را در سطح پایین‌تر از سطح نظام دربرمی‌گیرد، و در این نوع تبیین اجزاء تشکیل دهنده افرادی هستند که عضو نظام اجتماعی‌اند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۵).

در این پژوهش به نظر می‌رسد که شیوه‌ی دوم تناسب بیش‌تری داشته باشد، چه دانشجو - معلمان اجزاء وابسته به نظام تعلیم و تربیت دانشگاهی هستند و دانشگاه فرهنگیان که به امر تعلیم و تربیت معلمان می‌پردازد نیز خود واحدی از کل نظام تعلیم و تربیت جامعه محسوب می‌گردد. از سویی داده‌ها از افراد وابسته به این نظام جمع‌آوری می‌گردند و اگر قرار باشد تحولی صورت پذیرد و پیشنهادی جهت ترمیم و اصلاح روند حاکم بر تربیت معلمان ارائه گردد در سطح پایین‌تر انجام می‌گیرد. ضمن این که اگر نه کاملاً ولی معتقدیم ترکیبی از همین رفتارها در سطح پایین‌تر است که بر کل نظام تاثیر می‌گذارد.

در این مرحله از پژوهش به ارائه برخی نظریات که می‌توانند چارچوبی کلی برای تحقیق را فراهم سازند پرداخته می‌شود:

- شیخ کلینی در باب عقل و جهل آورده است نیروهای عقلانی یکی از جنبه‌هایی است که در تعلیم و تربیت اسلامی توجه بسیار بدان شده است. اگر عقل، دانسته‌های بیرونی را تجزیه و تحلیل نکند و آن را به مثابه مواد

خام برای دستیابی به یافته‌های جدید به کار نگیرد، بازدهی چندانی نخواهد داشت. یعنی علم، زمانی سودمند و ثمربخش است که در سایه عقل و استنباط حرکت کند و به مقصود برسد. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به عقل و پرورش آن جایگاه والایی دارد (کلینی، ۱۳۴۳ ج ۱، روایت ۲۴).

- به باور دورکیم، ویژگی‌های زندگی متمدن همچون تراکم جمعیت، تقسیم کار، از بین رفتن هویت‌های محلی و نیز تضادهای فرهنگی می‌تواند سبب ایجاد وضعیتی شود که در آن، جامعه مدرن شده به سمت فردگرایی شدید و درگیری با پیامدهایی چون بی‌تفاوتی، افسردگی، خودکشی و ... حرکت کند. به اعتقاد دورکیم کاهش در اعتقادات و دینداری افراد، زمینه بی‌هنجاری اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ بنابراین با توجه به آن‌ها می‌توان بی‌هنجاری در جامعه را کاهش داد. به عبارت دیگر داشتن التزام به هنجارهای دینی در بالا بردن مسئولیت‌پذیری کنشگران تاثیر اساسی دارد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۵۷۳).

- انیس (۱۹۸۵) از برجسته‌ترین متخصصان ارائه‌کننده مفهوم تفکر انتقادی معتقد است باید یادگیرندگان در پرداختن به تفکری که تاملی و در جهت آن چیزی است که باید به آن اعتقاد داشت یا آن را انجام داد، کمک شوند. به عبارت دیگر، وی تفکر انتقادی را به صورت «تفکر تاملی عاقلانه‌ای که بر تصمیم‌گیری در مورد اینکه به چه چیز اعتقاد داشته باشیم یا چه کاری را انجام دهیم، متمرکز است» تعریف کرد (انیس، ۱۹۸۵: ۴۵).

- هابرماس معتقد بود تقویت ارتباط بین انسان‌ها در فرآیند آموزش و نیز در صحنه اجتماعی از ضرورت‌های آزاداندیشی بوده و پیوند میان ارزش علم و اخلاق را تاکید می‌نمود. بر همین اساس نیازمندی‌های آموزشی، تربیتی و مدنی را در تعلیم و تربیت بازتعریف نمود. وی بر این نکته تاکید می‌کند که مدرسه و نظام‌های آموزشی به عنوان یک نهاد نقش‌آفرین در کنش‌های مدنی جامعه بسیار حائز اهمیت است (هابرماس، ۱۹۸۷: ۲۱۱). بر اساس نگاه فلسفی هابرماس و از بعدی هستی‌شناسانه انسان موجودی فعال و اثرگذار است که از راه کنش‌های خود بر جامعه و تاریخ اثر می‌گذارد. وی ابزار شناخت را در جهان هستی، گفتگوی آزاد مبتنی بر تفکر انتقادی می‌داند و نظام‌های آموزشی را مکلف به آموزش این شیوه‌ی تفکر می‌داند تا عرصه‌ای

برای مشارکت اجتماعی انسان‌ها فراهم آورد و بی تفاوتی اجتماعی از زندگی بشر رخت بربندد.

• آلپورت و روس(۱۹۶۷) نیز بیان می‌دارند که جهت گیری‌های دینی به مثابه‌ی مکانیزمی تعیین کننده از چه طریقی ارزشیابی‌های اعمال و رفتار افراد در زندگی اجتماعی را می‌سنجند لذا می‌تواند بین جهت گیری مذهبی و مسئولیت پذیری اتصال برقرار کند. همچنین آلپورت بر این باور است که تعهد و مسئولیت پذیری فرد تحت تاثیر دینداری درونی اوست.

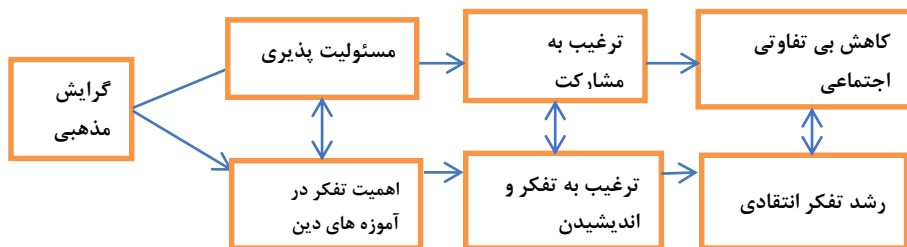
در اهمیت مذهب و نقش راهبری آن در زندگی ویکتور فرانکل(۱۹۷۳) به عنوان بنیانگذار مکتب «معنا درمانگری» معتقد است مذهب به عنوان یک نظام مرجع برای تفسیر وقایع زندگی محسوب می‌گردد. مذهب به عنوان یک نظام با معنا تصور می‌شود که افراد از آن برای کمک به فهم مسائل جهانی، پیش بینی و مهار وقایع و حفظ حرمت خود استفاده می‌کنند. بر این اساس گرایش مذهبی بر نوع نگاه، تفکر و چگونگی برخورد انسان نسبت به محیط و افراد دیگر تاثیرگذار است.

نظام تعلیم و تربیت و علی الخصوص دانشگاه‌ها محیطی پویا برای رشد گرایشات مذهبی، مشارکت اجتماعی و رشد تفکر انتقادی هستند. و اگر بخواهیم چنین نظامی داشته باشیم، دانشگاه ما نیز باید طبق دستور قرآن کریم عمل کند که می‌فرماید: «پس بشارت ده بندگان مرا، همان‌هایی که به سخن گوش می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینان کسانی هستند که خدایشان هدایت کرده و از خردمندانند»(زمر، ۱۷ و ۱۸) افرادی که شنوندگان خوبی هستند و به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازند و بهترین را برمی‌گزینند. چنین ویبسی از نشانه‌های عقل و تفکر نقادانه است و قرآن کریم شرط رسیدن به این نقطه را تقوا می‌داند و می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله يجعل لکم فرقانا» (انفال، ۲۹) چنانچه تقوا پیشه کنید به این قوه تشخیص درست و نادرست دست می‌یابید. علامه طباطبایی در تفسیر آیه‌ی مبارکه «اولئک الذین هدیهم الله می نویسد: این جمله اشاره است به این که صفت پیروی از بهترین قول، خود هدایتی است الهی»(طباطبایی، ج ۱۷).

استاد مطهری نیز در مورد تفکر انتقادی و لزوم آن بیان می‌دارد آیهی « فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدهم الله و اولئک هم اولوالباب» به نوعی به تعریف تفکر انتقادی از دیدگاه اسلام پرداخته است و هدف از آن را با توجه به این آیات و آیات مشابه، رهیدن از جمود فکری، غربال‌گر شدن عقل و جلوگیری از قضاوت عجولانه بیان می‌کند و ارزش شمندی و سودمندی عقل را برای انسان زمانی می‌داند که دارای مهارت تفکر انتقادی باشد (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۰).

براین اساس می‌توان اذعان داشت که قرآن به عنوان کتاب راهنمای عملکرد مسلمانان بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به مبحث ارتباط بین تدین و گرایش به تفکر انتقادی توجه داشته و اندیشمندان مسلمان نیز بسیار بدان پرداخته‌اند. هر چند غربی‌ها نیز از قرن‌ها قبل بدان توجه داشته‌اند اما همواره نگاهی ابزاری بوده و در طول تاریخ از جمله در دوران قرون وسطی نقد اندیشه‌ها و داشتن تفکری انتقادی در عزلت جای داشت و حال آن که اندیشه دینی مسلمانان همیشه در محور تفکرات و عمل قرار داشته است و به نظر می‌رسد محیط اسلامی حاکم بردانشگاه‌های جامعه اسلامی بستری مناسب برای رشد تفکر نقادانه و افزایش مشارکت دانشجویان در اصلاح امور باشد. به زعم دشتی (۱۳۸۴) نیز تعلیم و تربیت انتقادی، تعلیم و تربیتی است که باید مرزها و محدودیت‌های آموزشگاه را بشکنند، خود را با وجوه عمومی جامعه متصل و واقعیت‌های آن را منعکس نماید. در این نظام تربیتی، هدف تربیت و رشد شهروندان آزاد و مستقل است، شهروندی که متعلق به جامعه است و فرهنگ او متعلق به فرهنگ عمومی است (دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

بر اساس فرضیه‌های تحقیق و مبانی نظری مطرح شده می‌توان یک مدل نظری ترسیم نمود که رابطه‌های بین متغیرهای مورد نظر را بیان کند:



مدل نظری پژوهش

روش شناسی پژوهش

۱- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به شرایط و موضوع مورد بررسی، پیمایشی است. جامعه آماری نیز کلیه دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان شهر اصفهان می‌باشند که در پردیس‌ها و مرکز آموزش عالی به تحصیل مشغول هستند و حداقل یک ترم تحصیلی را گذرانده‌اند. به منظور تعیین حجم بر اساس فرمول کوکران نمونه‌ای معادل ۳۳۱ نفر برای پژوهش حاضر به دست آمد.

روش نمونه‌گیری اتخاذ شده برای این پژوهش، با توجه به این که می‌خواهیم نمونه‌ای معرف از جامعه آماری باشد و نیز لیست افراد جامعه آماری تماماً در دسترس بوده روش نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد و براساس وجود صفات و ویژگیهای جنسیت و رشته تصادفی طبقه ای می‌باشد که به نسبت ترکیب افراد در هر طبقه بستگی دارد.

در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر پرسشنامه بی‌تفاوتی اجتماعی (نادری و همکاران، ۱۳۸۸)، تفکر انتقادی ریکتس (قدم‌پور و همکاران، ۱۳۹۷) و میزان گرایش مذهبی (گلاک و اس‌تارک، ۱۹۶۵) استفاده شده است. این پرسشنامه‌ها پس از بررسی به صورت ترکیبی و متناسب با اهداف تحقیق در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج سطحی لیکرت، ابتدا به شکل آزمایشی^۱ و سپس با حذف برخی از سوالات به شکل نهایی به اجرا درآمد.

برخی مولفه‌هایی که در سنجش بی‌تفاوتی اجتماعی، تفکر انتقادی و گرایش مذهبی در پرسشنامه طرح گردید عبارتند از: تمایل به عضویت در انجمن علمی، شرکت در مراسم مذهبی، کرسی‌های آزاداندیشی، طرح نظرات در مباحث

1 Glock & Stark
1 pilot study

1
2

مطروحه، وظیفه مسلمانان در داشتن حساسیت و مشارکت اجتماعی، دخالت دانشجویان در بهبود شرایط حاکم بر محیط دانشگاه، اجرای دستورات دینی زندگی و آموزه‌های دینی در برخورد با مسائل موجود در محیط اطراف و ...

۲- روایی و پایایی پرسشنامه :

۲-۱- روایی مفهومی: به منظور بررسی روایی صوری و محتوایی پرسشنامه ها، از نظرات اساتید متخصص در رشته جامعه شناسی و حذف و اضافه کردن گویه های مناسب و بومی سازی شده استفاده شده است.

۲-۲- روایی تجربی: از نوع سازه و براساس نظریه و مبانی تئوریک موجود بررسی و پس از جمع آوری اطلاعات ۳۰ نفر از جامعه آماری در مرحله مطالعه مقدماتی با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی (C.F.A)، همگرایی بین معرف ها و گویه‌های هر متغیر بررسی شد.

۲-۳- برای سنجش میزان قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه مقدار آلفای کرونباخ محاسبه گردید. برای هر سه متغیر میزان آلفا بیش از ۰/۷۰ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس^۱ و ایموس انجام شده است. در سطح توصیفی از جداول فراوانی و میانگین و در سطح استنباطی به آزمون فرضیه‌های تحقیق و الگوی معادلات ساختاری اقدام گردید.

یافته های پژوهش

به لحاظ بررسی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی پژوهش، ۱۳۶ نفر زن (۴۱/۱ درصد) و ۱۹۵ نفر مرد (۵۸/۹ درصد) از کل نمونه را در بر می‌گیرند. از نظر توزیع فراوانی متغیر نوع رشته تحصیلی، ۱۱۰ نفر (۳۳/۲ درصد) بیش‌ترین میزان از جامعه نمونه مشغول به تحصیل در رشته علوم تربیتی (آموزش ابتدایی) می‌باشند و ۵ نفر (۱/۵ درصد) از نمونه در رشته ادبیات عرب و ادبیات فارسی را تشکیل داده‌اند که با توجه به نتایج کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. نیاز به معلم ابتدایی

1 validity	3
1 Reliability	4
1 Comfirmatory Factors Analysis	5
1 Statistical Package for the Social Science	

موجب این تفاوت در تعداد آن‌ها شده‌است و این مسئله می‌تواند به عنوان متغیر تعدیل‌کننده روی نتایج تحقیق نیز اثر داشته باشد.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا می‌بایست به تدوین نظری الگو برای تبیین پدیده مورد پژوهش و همچنین متغیرهای پنهان و سپس به مبحث برآورد الگو و تحلیل شاخص‌های کلی و جزئی پرداخت (قاسمی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر مهم‌ترین مرحله در تجزیه و تحلیل آماری ارزیابی برازش الگو به داده‌ها (SEM) می‌باشد و نیز از آزمون کولموگروف – اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن سوالات پرسشنامه استفاده شده است. از آنجایی که سطح معناداری آزمون بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان به نرمال بودن سوالات پرسشنامه اذعان داشت، لذا استفاده از آزمون‌های پارامتریک و روش^{۱۸} ML در مدل‌سازی معادلات ساختاری مشکلی ایجاد نمی‌کند. به‌منظور تعیین قابلیت قبول شاخص‌ها برای اندازه‌گیری الگوها به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار می‌گیرند، که در جدول زیر منعکس گردیده:

جدول شاخص‌های کلی برازش الگوهای اندازه‌گیری

سازه شاخص	میزان تفکر انتقادی	میزان بی تفاوتی اجتماعی	گرایش مذهبی
CMIN/DF (کای اسکوتر هنجار شده به درجه آزادی)	۱/۵۹۳	۲/۷۱۵	۳/۳۹۷
PCFI (شاخص تطبیقی برازش مقتصد)	۰/۷۴۵	۰/۸۵۰	۰/۷۶۴
GFI (نیکویی برازش)	۰/۹۲	۰/۸۸	۰/۹۴
RMR (ریشه میانگین مربعات باقیمانده)	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۵

1 . STRUCTURAL EQUATION MODELING

1ML: Maximum Likelihood

متداول‌ترین روش برآورد و مستقل از مقیاس داده‌ها است.

CFI (برازش تطبیقی)	۰/۸۳۲	۰/۷۹۲	۰/۸۰۴
RMSEA (ریشه میانگین مربعات خطای برآورد)	۰/۰۷۶	۰/۰۸۸	۰/۰۹۸

با عنایت به جدول فوق می‌توان استنباط نمود که الگوهای اندازه‌گیری در این پژوهش از برازش نسبتاً خوبی برخوردارند به این معنا که شاخص‌های کلی نشان می‌دهند که داده‌ها از الگوهای تحقیق حمایت می‌کنند.

با توجه به اینکه تقریباً مقدار بارهای عاملی در بیش‌تر موارد بالاتر از ۰/۵۰ و با توجه به شاخص جزئی P (دارای مقدار ۰/۰۰۱. برای همه گویه‌ها) و همچنین شاخص‌های کلی، می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها بخوبی داده‌ها را می‌سنجد .

تحلیل معادلات ساختاری

پس از آنکه در گام اول، الگوهای اندازه‌گیری مورد بررسی و تایید قرار گرفت در گام دوم لازم است از آماره معادلات ساختاری برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شود.

فرضیه اول: گرایش مذهبی با بروز بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه دارد.

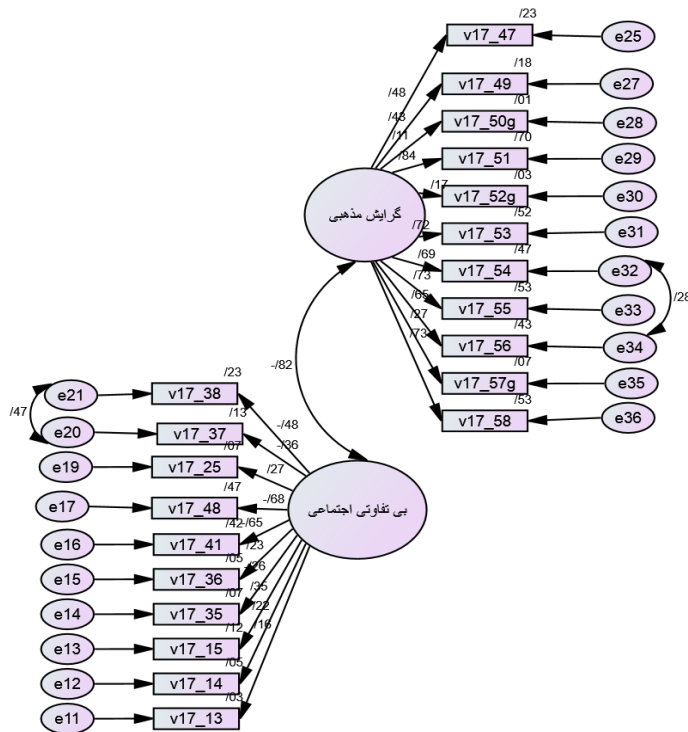
جدول ضریب رگرسیونی (نتیجه آزمون فرضیه اول تحقیق)

نتیجه P	مقدار	ضریب	فرضیه	شماره فرضیه
	بحرانی	رگرسیونی		

تایید ۰/۰۰۱ -۳/۱۶۹ -۰/۶۸۶ گرایش ← مذهبی ۱
بی تفاوتی اجتماعی

در این فرضیه رابطه دو متغیر گرایش مذهبی با بی‌تفاوتی اجتماعی مطرح شده است که مطابق جدول فوق ضریب تاثیر استاندارد شده برای این فرضیه ۰/۶۸۶- می‌باشد و مقدار ۰/۰۰۱ برای P نشان از تأیید این فرضیه دارد و رابطه منفی و معکوس بین این دو متغیر را نشان می‌دهد، به این معنا که با کاهش گرایش مذهبی

میزان بی تفاوتی افزایش می‌یابد و بالعکس با افزایش تمایل و گرایش مذهبی سطح بی تفاوتی اجتماعی دانشجو معلمان نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی و محیطی کاهش می‌یابد و تمایل به مشارکت اجتماعی آنان افزایش می‌یابد، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که گرایش مذهبی بر بی تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی در بین دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه دارد. این نتیجه را در الگوی معادلات ساختاری زیر نیز می‌توان ملاحظه کرد.

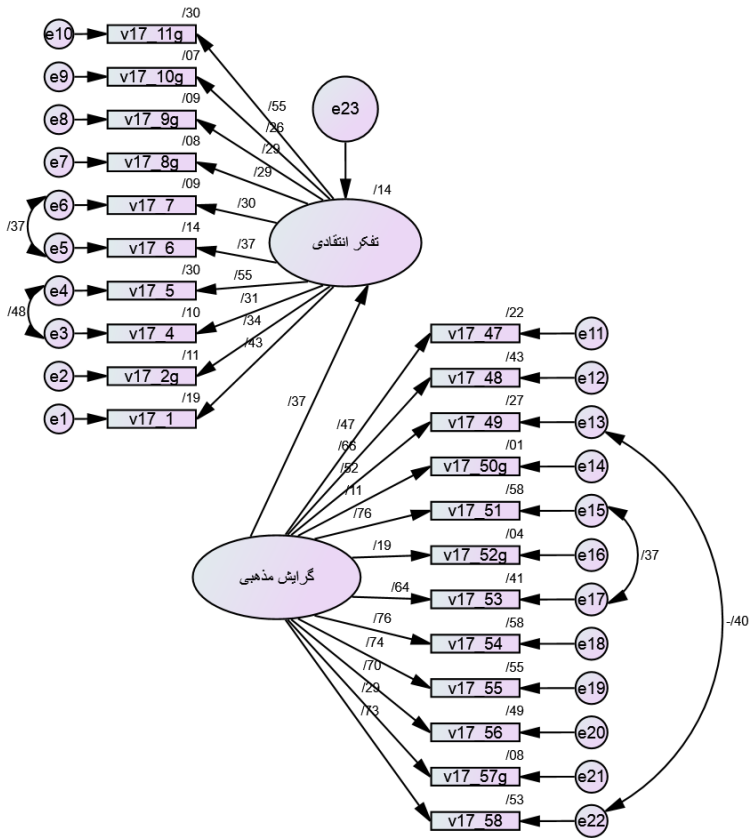


فرضیه دوم: گرایش مذهبی با رشد تفکر انتقادی در بین دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه دارد.

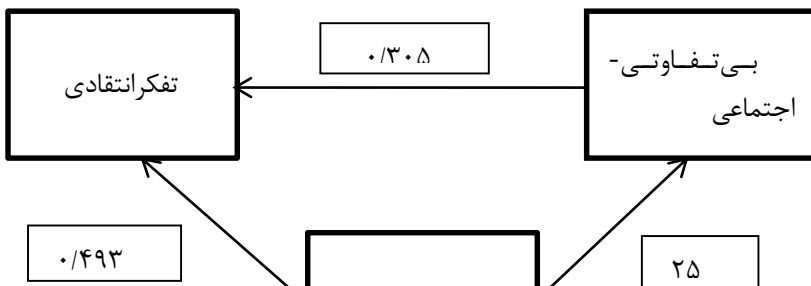
جدول ضریب رگرسیونی (نتیجه آزمون فرضیه دوم تحقیق)

شماره فرضیه	فرضیه	ضریب رگرسیونی	مقدار بحرانی	P	نتیجه
۲	تفکر مذهبی ← گرایش انتقادی	۰/۳۷۰	۴/۱۵۰	۰/۰۰۱	تایید

در این فرضیه رابطه دو متغیر گرایش مذهبی با تفکر انتقادی مطرح شده است که مطابق جدول فوق ضریب تاثیر استاندارد شده برای این فرضیه ۰/۳۷۷ می باشد و مقدار ۰/۰۰۱ برای P نشان از تایید این فرضیه دارد. گرایش مذهبی بر تفکر انتقادی تاثیر مثبت دارد به این معنا که با افزایش میزان گرایش مذهبی، گرایش به تفکر انتقادی نیز افزایش می یابد. پس با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت که گرایش مذهبی با تفکر انتقادی در بین دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه دارد. این نتیجه را در الگوی معادلات ساختاری زیر نیز می توان ملاحظه کرد.



در ترکیب سه متغیر گرایش مذهبی، بی تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی با یکدیگر و بیان رابطه مستقیم و غیر مستقیم آن‌ها با استفاده از آماره تحلیل مسیر نتایج قابل ملاحظه‌ای زیر مشاهده شده است، گرایش مذهبی به طریق غیر مستقیم ۵۶٪ (یعنی ۵۶ درصد) از متغیر تفکر انتقادی را تبیین می‌کند و ۴۹ درصد از این متغیر به طریق مستقیم تحت تاثیر گرایش مذهبی است و آن را تبیین می‌نماید. لذا با تقویت گرایش مذهبی افراد می‌توان هم میزان بی تفاوتی آنان را نسبت به محیط کاهش داد و هم تفکر انتقادی را تقویت کرد و توسعه بخشید.



بحث و نتیجه گیری

نتایج تجربی حاصل از تحلیل‌های پژوهش نشان داد:

- در پاسخ به این که آیا بین متغیر گرایش مذهبی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد؟ دریافتیم که با افزایش گرایش مذهبی در بین دانشجویان بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به مسایل و شرایط محیط‌شان کاهش می‌یابد. در همین راستا نتایج پژوهش ریسبرگ (۱۹۹۴) و استین (۱۹۹۲) که رابطه‌ای معنادار بین باورهای دینی و مذهبی فرد با سلامت روانی و برقراری روابط اجتماعی سالم‌تر و گرایش دانشجویان به تعقل و روابط و مشارکت اجتماعی را نشان می‌دهند، با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارند.

- از سوی دیگر پژوهش انجام شده در صدد یافتن پاسخ این پرسش که آیا بین گرایش مذهبی دانشجویان و تمایل به تفکر انتقادی آنان رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ نتایج نشان داد رابطه‌ای مستقیم و مثبت بین میزان گرایش مذهبی و تمایل به تفکر انتقادی وجود دارد. نتایج بسیاری از تحقیقات پیشین که در این راستا صورت گرفته با این یافته همخوانی دارد. از جمله بررسی تاثیر آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان‌شاه که توسط فرانک موسوی (۱۳۹۷) انجام گرفته است و نشان داد که فراگیران آموزش دیده در این زمینه موفق‌تر عمل می‌کنند و نیز نتایج تحقیق صفایی و همکاران (۱۳۹۷)، خدیجه سفیری و همکاران (۱۳۹۵) و نتایج تحقیق سیدمحمد مرتضوی (۱۳۸۸) نشان داد که داشتن اعتقادات دینی و تعلقات مذهبی نقشی اساسی در تفکر انتقادی می‌تواند داشته باشد.

- همچنین با بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم در تحلیل مسیر، متغیرهای گرایش مذهبی، بی‌تفاوتی اجتماعی و تفکر انتقادی بر یکدیگر در بین

دانشجو معلمان، مورد بررسی قرار گرفت تا سهم تاثیر هر کدام تعیین گردد و به این ترتیب میزان تبیین متغیرهای وابسته توسط گرایش مذهبی مشخص گردید، نتایج حاکی از این است که گرایش مذهبی دانشجویان بیش از ۲۵ درصد بی‌تفاوتی اجتماعی را و بیش از ۴۹ درصد از رشد و تمایل به تفکر انتقادی را تبیین می نماید.

- اما با نتایج برخی از تحقیقات خارجی در جوامع دیگر از جمله رزمیاری و ریو(۲۰۱۳)، پنی کوک و همکاران(۲۰۱۲)، تحقیق گراویس و نورنزیان(۲۰۱۲) و نیز هرگوئیچ و آرنداسی(۲۰۰۴) در استرالیا که بیان داشته‌اند رابطه‌ای منفی بین تفکر تحلیلی و کفر مذهبی وجود دارد، همخوانی ندارد. شاید بتوان ادعا کرد که نتایج تحقیقات خارجی در محیطی متفاوت با جامعه ما بوده و شرایط یکسانی بر پژوهش حاضر و جوامع غیرایرانی حاکم نیست از اینرو نتایج متفاوتی حاصل شده است. هرچند رزمیاری و ریو(۲۰۱۳) معتقدند رابطه‌ای مثبت بین تفکر شهودی و تجربی با دینداری وجود دارد.

لذا با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق ضرورت چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی و رشد تفکر انتقادی در بین دانشجو معلمان که آینده‌سازان جامعه را پرورش خواهند داد، قویاً احساس می شود. وجود حس بی‌تفاوتی اجتماعی وعدم مشارکت دانشجویان در مسایل اجتماعی نه تنها برای نظام آموزش دانشگاهی بلکه برای کل جامعه و آینده‌ی کشور مفید نخواهد بود. قدرم مسلم آن که برای درک مسائل اجتماعی از جمله بی‌تفاوتی اجتماعی به مجموعه‌ای از عوامل که در پیدایش آن موثرند می‌بایست توجه داشت که بررسی همه این عوامل در یک پژوهش نمی‌گنجد، اما دریافتیم که گرایش مذهبی می‌تواند عامل تاثیرگذاری باشد و ۲۵ درصد از معضلی به نام بی‌تفاوتی اجتماعی را تبیین نماید. براین اساس چراغی جلوی راهمان روشن می شود تا با برنامه‌ریزی در ست در راستای تقویت روحیه‌ی مذهبی و بهره‌مندی از آموزه های دینی، زمینه‌ی مشارکت اجتماعی دانشجویان را در محیط‌های دانشگاهی فراهم نماییم. چراکه دستورالعمل‌های دینی(علی‌الخصوص دین مبین اسلام) به بودن در جامعه، مسئولیت‌پذیری، همدلی و مشارکت در سازندگی اجتماعی تشویق و ترغیب می‌کند. چنانچه این فر ضیه با دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر آیات قرآن در این زمینه، شیخ کلینی و استاد مطهری و برخی اندیشمندان غربی از جمله دورکیم نیز همخوانی دارد چنانچه دورکیم معتقد است کاستی در

دینداری افراد، زمینه‌ی بی‌هنجاری اجتماعی را فراهم می‌سازد به عبارت دیگر می‌توان اینگونه استنباط نمود که داشتن التزام به هنجارهای دینی در بالا بردن احساس مسئولیت‌پذیری و مشارکت کنشگران تاثیر اساسی دارد.

از سویی قرآن به منظور توسعه‌ی اجتماعی داشتن تفکرانتقادی و بینش جامعه‌شناختی را پیشنهاد و امر می‌کند و تفکر در موضوعات مختلف جامعه را هم‌ردیف عبادات ذکر کرده است. هرچند هرگوییچ و آرندا سی (۲۰۰۴) در تحقیق‌شان ارتباط و همبستگی معناداری بین اعتقاد به ماوراءالطبیعه و دستورات دینی و داشتن تفکری انتقادی پیدا نکردند ولی چنانچه پیش‌تر نیز بیان گردید باید توجه داشت زمینه‌های فرهنگی جامعه‌ی ما با جوامع اروپایی بسیار متفاوت است و آموزه‌های دینی هنوز ملاک مهم و تعیین‌کننده‌ای در شیوه‌ی عملکرد مردم جامعه محسوب می‌شود و هنوز نهادهای اجتماعی و از جمله نهاد آموزشی در بسیاری موارد از قوانین و مبانی نظری مستتر در متون دینی الهام می‌گیرند. ولی به نظر می‌رسد می‌توان با استاد مطهری، دورکیم و آلپورت هم عقیده شد که این گرایش‌های مذهبی هستند که قدرت هنجار سازی و تعیین‌کنندگی رفتار انسان را در موقعیت‌های مختلف دارد. چنانچه استاد مطهری براین عقیده بودند که یک انسان مسلمان که دارای عقل است باید دارای تفکر انتقادی باشد و اصلاً خاصیت عقل در داشتن تفکرانتقادی است و آلپورت معتقد است کارکردهای مذهبی به عنوان مکانیزمی برای ارزشیابی اعمال و رفتارهای زندگی و ملاکی برای سنجش به کار می‌روند. این ارزشیابی می‌تواند بین جهت‌گیری مذهبی و مسئولیت‌پذیری اتصال برقرار کند و هرچه فرد دارای دینداری درونی باشد، تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتری نیز دارد. همچنین می‌توان همسو با اندیشه‌ی هابرماس در راستای تربیت انسانی آزاداندیش و تاثیرگذار بر تاریخ بشری و نه بی‌تفاوت در عرصه‌ی اجتماعی، نظام‌های آموزشی دانشگاهی را بستری برای رشد تفکر انتقادی ساخت.

در مجموع با توجه به مطالب ذکر شده در تحقیقات پیشین و نظریات دانشمندان و تحقیق حاضر، به این نتیجه می‌رسیم که میزان گرایش مذهبی دانشجویان به عنوان عاملی تاثیرگذار، با بی‌تفاوتی اجتماعی و نیز با تفکرانتقادی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. به‌گونه‌ای که منجر به کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی، افزایش حس مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی می‌گردد و زمینه‌ی رشد تفکرانتقادی را فراهم می‌سازد.

محدودیت های تحقیق و پیشنهادات کاربردی

در محیط‌های دانشگاهی بعضاً ممکن است دانشجویان در پاسخگویی به برخی سوالات علی‌الخصوص در زمینه‌های اعتقادی ملاحظاتی داشته باشند که تلاش شد با توضیحاتی در مورد امانتداری و پرسشنامه بدون ذکر نام و کد خاص اطمینان آنان جلب گردد. همچنین با توضیحات در مورد اهداف پرسشنامه و برخی مفاهیم سعی در ابهام‌زدایی شد. از سویی به منظور حصول اطمینان از تعداد نمونه در این پژوهش با روش‌های متعدد و نرم‌افزارهای مختلفی در چندین نوبت تعیین حجم نمونه صورت گرفت تا نمونه‌ای معرف برای جامعه آماری کل دانشجو معلمان اصفهان به دست آید. در راستای بهره‌گیری از دستاوردهای تحقیق چند پیشنهاد کاربردی ارائه می‌گردد:

- 1- جلسات آموزشی، تهیه و پخش برنامه‌ها و آگهی‌های آموزنده از سوی مصادر امور فرهنگی در دانشگاه‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به اساتید و دانشجویان در جهت گسترش تفکر انتقادی و کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی برگزار گردد.
- 2- پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی که منعکس‌کننده مزایای تفکر انتقادی و کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند.
- 3- در کتاب‌های درسی به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی بخش‌هایی در ارتباط با هنجارسازی‌های مثبت و ترویج فرهنگ تفکر انتقادی و مزایای آن در جهت ایجاد زمینه‌ی مشارکت اجتماعی طراحی و تدوین شود.
- 4- آموزش آموزه‌های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان عاملی در جهت کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی صورت پذیرد .
- 5- به نظر می‌رسد اعضای خانواده در جامعه ایرانی امروزه نیازمند آموزش مهارت‌های زندگی است که می‌توان از طریق مراکز مختلف با دادن آموزش‌های لازم، به بهبود شیوه تفکر و ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی کمک شایانی نمود.
- 6- با طرح برنامه‌هایی منسجم و فراگیر توسط همه افراد جامعه به ویژه کارشناسان، اساتید، معلمان و والدین، آموزه‌های دینی غنی اسلامی آموزش داده

شوند و زمینه و بستر مناسبی برای مشارکت اجتماعی در تمام ابعاد و رشد تفکر انتقادی فراهم گردد.

در آرنیز به پژوهشگرانی که قصد مطالعه و تحقیق در این زمینه را دارند پیشنهاد می‌شود برای رسیدن به دیدگاهی جامع‌تر در ابعاد گوناگون می‌توانند، در دانشگاه‌های مختلف در شهرستان‌های مختلف، با بررسی همزمان همه دانشجویان دختر و پسر به روش‌های کیفی این موضوع را مورد پژوهش قرار دهند تا عوامل پنهان مرتبط شناسایی و مرتفع گردند. ان شالله

منابع فارسی

- خوشبین، یوسف، و طالبی، ابوتراب (۱۳۹۱). بررسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۵۹، ۲۴۳-۲۱۰.
- دشتی، زهرا (۱۳۸۴). مبانی معرفت‌شناسی پسا ساختارگرایی و نقد دلالت‌های تربیتی آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سفیری، خدیجه، میرسندسی، میرسندسی، سیدمحمد، عموعبداللہی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی رابطه تفکر انتقادی و ابعاد اصلی دینداری در بین دانشجویان کارشناسی ارشد. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۳، ۴۸۴-۴۵۸.
- صفایی، ایمان، آهی، قاسم (۱۳۹۷). نقش سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیت در گرایش به تفکر انتقادی در بین دانشجویان رشته تربیتی بدنی، فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی، دوره ۱۳۹۷، شماره ۴۱، ۶۰-۴۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان، بیروت مؤسسه الاعلمی، للمطبوعات.

- فرانکل، ویکتور (۱۳۷۵). *خدا در ناخودآگاه*، ابراهیم یزدی، تهران: رسا.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). *مدلسازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، انتشارات: جامعه‌شناسان.
- قاضی‌زاده، هورامان، کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۴). *بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)*، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۱ (پیاپی ۹)، ۷۸-۵۹.
- قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۹۳). *درآمدی بر تفکر انتقادی*، تهران: نشر اختران، چاپ سوم.
- قدم‌پور، عزت‌اله و خلیلی گشنیگانی، زهرا، رضائیان، مهدی (۱۳۹۷). *تأثیر آموزش بسته فراشناختی (تفکر انتقادی)، حل مسئله و فراشناخت بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره دوم متوسطه، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۴۲، ۹۰-۷۱.*
- کلانتری، صمد؛ ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول و سیروس احمدی (۱۳۸۶). *بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن*، دو ماهنامه دانشگاه شاهد، دوره چهاردهم، ش ۲۲، ص ۲۷-۳۵.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی*. منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۳). *اصول کافی*، ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران: اطلاعات
- علوی لنگرودی سید کاظم و همکارانش (۱۳۹۴). *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و گرایش به تفکر انتقادی با راهبردهای مقابله با استرس در دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد*، نشریه طلوع بهداشت یزد، دوره ۱۴، شماره ۵، ۱۶۲-۱۷۲.
- لطف‌آبادی، حسین (۳۹۸۹). *روانشناسی تربیتی*، تهران: انتشارات سمت.
- مایرز، چت (۱۹۹۶). *آموزش تفکر انتقادی*، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت، چاپ هفتم.
- محسنی، علیرضا و مجتبی، صداقتی‌فرد (۱۳۹۰). *پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران مورد پژوهش: شهروندان تهرانی*، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، شماره ۱، ۳-۲۲.

- مرتضوی، سید محمد (۱۳۸۸). بررسی تأثیر نگرش دینی (مثبت و منفی) بر تفکر انتقادی دانشجویان رشته علوم تربیتی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، پایان نامه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۱، کتاب انسان و ایمان، تهران: صدرا.
- مظفری پور، روح اله (۱۳۹۵). بررسی بی تفاوتی اجتماعی در مورد مسائل آموزش و پرورش در ایران، هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵.
- موسوی، فرانک (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آزاداندیشی دینی بر تفکر انتقادی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۴، ۴۰-۳۹.
- نادری، حمداله؛ بنی فاطمه، حسین؛ حریری اکبری، محمد (۱۳۸۸). الگوسازی ساختاری رابطه ی بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۸۸، صص ۵۹-۲۹.
- هابر ماس، یورگن (۱۹۸۷). نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۷). جامعه شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات ثالث، چاپ او.

منابع لاتین

- Adams MH, Whitlow JF, Stover LM, Johnson KW.(2016). Critical thinking as an educational outcome: an evaluation of current tools of measurement. Nurse Educe
- Almond,G.A & Verba,S(1963) The Civic Culture :Political Attitudes and Democracy in Five Nation. Prinston : Prinston University Press.
- Ennis RH, Millman J, Tomko TN. Cornell critical thinking tests level X & level Z: Manual. Pacific Grove, CA: Midwest Publications; 1985, pp: 2-56.
- Hergovich,Anderson & Arendasy,Martin(2005).Critical thinking ability and belief in the paranormal,Personality and Individual Diffrences. 38,PP:1805-1812.

- Gervais,W.M, Willard,A., Norenzayan,A. & Henrich,J.(2011), The cultural transmission of faith: Why natural intuitions and memory biases are necessary, but insufficient, to explain religious belief, *Religion*, No 41: 389-410.
- Myer,D (1988), *Social Psychology*. New York : Harper .
- Pennycook,G., Cheyne,J.A., Seli,P., Koehler,D.J. & Fugelsang,J.A.(2012), Analytic cognitive style predicts religious and paranormal belief, *Cognition*, No 123: 335– 346.
- Tevis,ch. (1999). Religion Faith may be good for what ails you? *Journal of successfully farming*, vol 2:33-41.
- Razmyar,S. & Reeve,C (2013), Individual differences in religiosity as a function of cognitive ability and cognitive style intelligence, No 41:667-673.
- Risberg, (1999).relationships between religion and health, *journal of cancer*, vol. 32:274-281.
- stein, D. (1992).Relation between prayer and suicide, *journal of Health social behavioral* vol. 25, 665-672